

بسم الله الرحمن الرحيم

أُصُولُ السُّنَّةِ

للإمام أبي عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل

ت: ٢٤١ هـ

قَالَ: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ حَنْبَلٍ رَحِمَهُ اللَّهُ أُصُولُ السُّنَّةِ عِنْدَنَا: التَّمَسُّكُ بِمَا كَانَ عَلَيْهِ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْإِقْتِدَاءُ بِهِمْ، وَتَرْكُ الْبِدْعِ، وَكُلُّ بِدْعَةٍ فَهِيَ ضَلَالَةٌ، وَتَرْكُ الْخُصُومَاتِ، وَالْجُلُوسِ مَعَ أَصْحَابِ الْأَهْوَاءِ، وَتَرْكُ الْمِرَاءِ وَالْجِدَالِ وَالْخُصُومَاتِ فِي الدِّينِ.

وَالسُّنَّةُ عِنْدَنَا آثَارُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَالسُّنَّةُ تُفَسِّرُ الْقُرْآنَ، وَهِيَ دَلَالُ الْقُرْآنِ، وَلَيْسَ فِي السُّنَّةِ قِيَاسٌ، وَلَا تُضْرَبُ لَهَا الْأَمْثَالُ، وَلَا تُدْرَكُ بِالْعُقُولِ وَلَا الْأَهْوَاءِ، إِنَّمَا هُوَ الْإِتِّبَاعُ وَتَرْكُ الْهَوَى.

امام احمد رحمه الله می گوید: اصول و قواعد سنت نزد ما عبارتند از: چنگ زدن و تمسک به آنچه اصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم بدان عمل می کردند، و اقتداء نمودن به آنها، و ترک بدعت زیرا هر بدعتی گمراهی و ضلالت است، و دوری جستن از جنگ و جدل، و ترک همنشینی با اهل اهواء، و دوری گزیدن از جدل و دشمنی بر سر مسائل دینی.

سنت، نزد ما عبارت است از: آثار رسول الله صلى الله عليه وسلم؛ سنت، قرآن را تفسیر و تبیین می کند، و آن دلایل قرآن است؛ برای سنت قیاس گرفته نمی شود و مثال نیز زده نمی شود، و [آنچه در سنت از مسایل غیبی و تعبدی آمده] با هوای نفس و عقل ادراک نمی شود؛ بلکه پیروی و دوری از هوای نفس است.

قَالَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ حَنْبَلٍ رَحِمَهُ اللَّهُ: وَمِنْ السُّنَّةِ اللَّازِمَةِ الَّتِي مِنْ تَرَكَ مِنْهَا خَصْلَةٌ - لَمْ يَقْبَلْهَا وَيُؤْمِنْ بِهَا - لَمْ يَكُنْ مِنْ أَهْلِهَا: الْإِيمَانُ بِالْقَدَرِ خَيْرُهُ وَشَرُّهُ، وَالتَّصَدِيقُ بِالْأَحَادِيثِ فِيهِ، وَالْإِيمَانُ بِهَا، لَا يُقَالُ لِمَ وَلَا كَيْفَ، إِنَّمَا هُوَ التَّصَدِيقُ وَالْإِيمَانُ بِهَا، وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْ تَفْسِيرَ الْحَدِيثِ وَيَبْلُغَهُ عَقْلُهُ فَقَدْ كُفِيَ ذَلِكَ وَأُحْكِمَ لَهُ، فَعَلَيْهِ الْإِيمَانُ بِهِ وَالتَّسْلِيمُ لَهُ، مِثْلُ حَدِيثِ "الصَّادِقُ الْمَصْدُوقُ" وَمِثْلُ مَا كَانَ مِثْلَهُ فِي الْقَدَرِ، وَمِثْلُ أَحَادِيثِ الرُّؤْيَةِ كُلِّهَا، وَإِنْ نَأَتْ عَنْ الْأَسْمَاعِ وَاسْتَوْحَشَ مِنْهَا الْمُسْتَمْعُ، وَإِنَّمَا عَلَيْهِ الْإِيمَانُ بِهَا، وَأَنْ لَا يَرُدَّ مِنْهَا حَرْفًا وَاحِدًا وَغَيْرَهَا مِنَ الْأَحَادِيثِ الْمَأْثُورَاتِ عَنِ الثَّقَاتِ.

وَأَنْ لَا يُخَاصِمَ أَحَدًا وَلَا يُنَازِعُهُ، وَلَا يَتَعَلَّمَ الْجِدَالَ.

فَإِنَّ الْكَلَامَ فِي الْقَدَرِ وَالرُّؤْيَةِ وَالْقُرْآنِ وَغَيْرِهَا مِنَ السُّنَنِ مَكْرُوهٌ وَمَنْهِيٌّ عَنْهُ، لَا يَكُونُ صَاحِبُهُ -وَإِنْ أَصَابَ بِكَلَامِهِ السُّنَّةَ- مِنْ أَهْلِ السُّنَّةِ حَتَّى يَدْعَ الْجِدَالَ وَيُسَلِّمَ وَيُؤْمِنَ بِالْآثَارِ.

امام احمد رحمه الله می گوید: و از جمله سنت هایی که هر کس یکی از آن ها را رد کند - یا نپذیرد و به آن ایمان نداشته باشد - از اهل ایمان بحساب نمی آید؛ یکی از آن موارد قضا و قدر می باشد چه خیر و یا شر، باید تمام احادیثی که در این باره آمده بپذیرد و آن ها را تصدیق نماید و به آن ها ایمان داشته باشد، و نباید بگوید چرا و چگونه؟! بلکه باید آن را تصدیق و به مفادش ایمان داشته باشد.

و کسی که تفسیر حدیثی را ندانست و عقلش به آن نمی رسید، همین مقدار که می داند برایش کافی است و بر او لازم است که به آن ایمان داشته باشد، و تسلیم آن شود، مانند حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم "الصَّادِقُ الْمَصْدُوقُ" و احادیثی که همانند این هستند در ارتباط با مسأله قضا و قدر، و یا احادیثی که در رابطه با رؤیت خداوند هستند. اگر چه به مذاق انسان خوش نیاید و شنونده از شنیدن آن به وحشت افتد، وظیفه شخص آن است که به آن ایمان بیاورد، و نباید حتی یک حرف آن را جا بگذارد. و همچنین دیگر احادیث وارد شده که افراد موثق و معتبر آن را روایت کرده باشد.

شخص مسلمان نباید با کسی در رابطه با این مسائل، مناظره و مجادله کند، و شیوه مجادله را یاد نگیرد، چون سخن گفتن در رابطه با قضا و قدر و رؤیت خداوند، و یا درباره قرآن و بقیه سنتها، مکروه است، و از آن نهی شده، و حتی اگر کسی چنین کاری را کرد و با سخنان خود موفق شد که به سنتی دست یابد، به چنین کسی نمی‌توان گفت که از اهل سنت است، تا وقتی که جدل را رها کند، و تسلیم بدون چون و چرا گردد، و به تمام آثار ایمان داشته باشد.

قَالَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ حَنْبَلٍ رَحِمَهُ اللَّهُ: وَالْقُرْآنُ كَلَامُ اللَّهِ وَلَيْسَ بِمَخْلُوقٍ وَلَا يَضَعُفُ أَنْ يَقُولَ: لَيْسَ بِمَخْلُوقٍ، فَإِنَّ كَلَامَ اللَّهِ لَيْسَ بِبَائِنٍ مِنْهُ، وَلَيْسَ مِنْهُ شَيْءٌ مَخْلُوقٌ، وَإِيَّاكَ وَمَنْظَرَةَ مَنْ أَحْدَثَ فِيهِ، وَمَنْ قَالَ بِاللَّفْظِ وَغَيْرِهِ، وَمَنْ وَقَفَ فِيهِ، فَقَالَ: لَا أَدْرِي مَخْلُوقٌ أَوْ لَيْسَ بِمَخْلُوقٍ، وَإِنَّمَا هُوَ كَلَامُ اللَّهِ فَهَذَا صَاحِبُ بَدْعَةٍ مِثْلُ مَنْ قَالَ: (هُوَ مَخْلُوقٌ). وَإِنَّمَا هُوَ كَلَامُ اللَّهِ لَيْسَ بِمَخْلُوقٍ.

امام احمد رحمه الله می‌گوید: قرآن کلام الله متعال و غیر مخلوق است، به خود ضعف راه ندهید که بگوئید قرآن غیر مخلوق نیست! زیرا کلام الله متعال چیزی جدا شده از وی نیست، و هیچ چیزی از الله متعال نیز مخلوق نیست. مواظب باشید با کسانی که در این زمینه دچار بدعت شدند و یا گفتند: تلفظ ما به قرآن فقط مخلوق شده است، و یا توقف کردند و می‌گویند: نمی‌دانیم آیا مخلوق است یا غیر مخلوق بلکه کلام و سخن الله متعال است! چنین فردی بدعت گذار در دین است همانند کسی که بگوید: قرآن مخلوق است؛ با چنین افرادی در نیافتید و مناظره نکنید، و فقط بگوئید: قرآن کلام و سخن الله متعال است و مخلوق شده نیست.

قَالَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ حَنْبَلٍ رَحِمَهُ اللَّهُ: وَالْإِيمَانُ بِالرُّؤْيَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَمَا رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ الْأَحَادِيثِ الصَّحَاحِ، وَأَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ رَأَى رَبَّهُ، فَإِنَّهُ مَأْثُورٌ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، صَحِيحٌ، رَوَاهُ قَتَادَةُ، عَنْ عِكْرِمَةَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ؛ وَرَوَاهُ الْحَكَمُ بْنُ أَبَانَ، عَنْ عِكْرِمَةَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ؛ وَرَوَاهُ عَلِيُّ بْنُ زَيْدٍ، عَنْ يُوسُفَ بْنِ مِهْرَانَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، وَالْحَدِيثُ عِنْدَنَا عَلَى ظَاهِرِهِ كَمَا جَاءَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَالْكَلَامُ فِيهِ بِدْعَةٌ، وَلَكِنْ نُؤْمِنُ بِهِ كَمَا جَاءَ عَلَى ظَاهِرِهِ، وَلَا نُنَظِرُ فِيهِ أَحَدًا.

وَالْإِيمَانُ بِالْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَمَا جَاءَ، يُوزَنُ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلَا يَزِنُ جَنَاحَ بَعْوَضَةٍ، وَتُوزَنُ أَعْمَالُ الْعِبَادِ كَمَا جَاءَ فِي الْأَثَرِ، وَالْإِيمَانُ بِهِ، وَالتَّصَدِيقُ بِهِ، وَالْإِعْرَاضُ عَنْ رَدِّ ذَلِكَ، وَتَرْكُ مُجَادَلَتِهِ. وَأَنَّ اللَّهَ يُكَلِّمُ الْعِبَادَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَيْسَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُ تَرْجَمَانٌ، وَالْإِيمَانُ بِهِ وَالتَّصَدِيقُ بِهِ.

امام احمد رحمه الله می گوید: ایمان داشتن به دیدن و رؤیت الله متعال، همان گونه که از رسول الله صلى الله عليه وسلم در احادیث صحیح روایت شده است. و این رسول الله صلى الله عليه وسلم پروردگار متعال را دیده اند؛ زیرا چنین در روایت صحیح آمده است که قتاده از عکرمه از عبد الله بن عباس رضی الله عنهما نقل می کند؛ و هم چنین علی بن زید از یوسف بن مهران از عبد الله بن عباس رضی الله عنهما؛ و حدیث را چنان از رسول الله صلى الله عليه وسلم وارد شده بر حسب ظاهرش می پذیریم، و سخن در چنین مواردی بدعت است و ما بر اساس ظاهرش به آن ایمان داریم و با کسی در این مورد مناظره نخواهیم کرد.

و ایمان به میزان و ترازو، همان گونه که در روایت آمده: فردی وزن و ترازو می شود و به اندازه بال پشه نیز وزن نخواهد داشت، و اعمال بندگان نیز چنان چه در احادیث آمده وزن گردیده می شود. و به این موارد باید ایمان و باور داشته باشیم، و از کسانی که آن را رد می کنند دوری کنیم و با وی بحث و جدال نکنیم.

و این که الله متعال در روز رستاخیز با بندگان خود بدون مترجم صحبت می‌کند. و به این موارد نیز باید ایمان و باور داشته باشیم.

قَالَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ حَبَلٍ رَحِمَهُ اللَّهُ: وَالْإِيمَانُ بِالْحَوْضِ، وَأَنَّ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَوْضًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَدُّ عَلَيْهِ أُمَّتُهُ، عَرْضُهُ مِثْلُ طُولِهِ، مَسِيرَةُ شَهْرٍ، آئِنَتُهُ كَعَدَدِ نَجُومِ السَّمَاءِ عَلَى مَا صَحَّتْ بِهِ الْأَخْبَارُ مِنْ غَيْرِ وَجْهِ.

وَالْإِيمَانُ بِعَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَنَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ تُفْتَنُ فِي قُبُورِهَا، وَتُسَالُ عَنْ الْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ، وَمَنْ رَبُّهُ؟ وَمَنْ نَبِيُّهُ؟ وَيَأْتِيهِ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ، كَيْفَ شَاءَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى وَكَيْفَ أَرَادَ، وَالْإِيمَانُ بِهِ وَالتَّصَدِّيقُ بِهِ.

وَالْإِيمَانُ بِشَفَاعَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَبِقَوْمٍ يَخْرُجُونَ مِنَ النَّارِ بَعْدَ مَا احْتَرَقُوا وَصَارُوا فَحْمًا، فَيُؤْمَرُ بِهِمْ إِلَى نَهْرٍ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ كَمَا جَاءَ فِي الْأَثَرِ، كَيْفَ شَاءَ اللَّهُ، وَكَمَا شَاءَ، إِنَّمَا هُوَ الْإِيمَانُ بِهِ، وَالتَّصَدِّيقُ بِهِ.

وَالْإِيمَانُ أَنَّ الْمَسِيحَ الدَّجَالَ خَارِجٌ، مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ كَافِرٌ وَالْأَحَادِيثُ الَّتِي جَاءَتْ فِيهِ، وَالْإِيمَانُ بِأَنَّ ذَلِكَ كَائِنٌ، وَأَنَّ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَنْزِلُ فَيَقْتُلُهُ بِبَابِ لُدٍّ.

امام احمد رحمه الله می‌گوید: و ایمان به حوض -یا همان استخر و محل تجمع آب- کوثر باید داشته باشیم، و این که رسول الله صلى الله عليه وسلم در روز قیامت حوضی دارد که امتش در آن داخل می‌شوند و عرض و طولش مثل هم هستند و فاصله هر کدام یک ماه طول می‌کشد، و ظروفی که بر آن گذاشته شده است به تعداد ستارگان است، همان گونه که در روایات متعددی روایت شده است.

و ایمان داشتن به عذاب قبر و این که مردم در قبرهایشان آزمایش می‌شوند و هر فردی درباره ایمان، اسلام، الله و پیامبرش سوال می‌شود، و این که دو نفر ملائکه به نام‌های منکر

و نکیر به هر گونه که الله متعال بخواهد بر او وارد می‌شوند. و به این موارد نیز باید ایمان و باور داشته باشیم.

و ایمان داشتن به شفاعت کردن رسول الله صلی الله علیه وسلم و ایمان به قومی که وارد دوزخ می‌شوند و بعد از این که سوخته شدند و به زغال تبدیل شدند آن‌ها را بیرون آورده و به آنان دستور داده می‌شود که وارد رودخانه‌هایی می‌شوند که در جلوی در بهشت می‌گذرد و این هر گونه که الله متعال بخواهد صورت می‌پذیرد. و به این موارد نیز باید ایمان و باور داشته باشیم.

و ایمان داشتن به این که دجال خروج می‌کند و در میان دو چشمش کلمه کافر نوشته شده است، و ایمان به احادیثی که در این زمینه آمده‌اند، و ایمان به این که این حقیقت واقعیت پیدا می‌کند، و این که حضرت عیسی علیه السلام؛ از آسمان فرود می‌آید و دجال را بر روی در "لد" -در سر زمین فلسطین- می‌کشد.

قَالَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ حَنْبَلٍ رَحِمَهُ اللَّهُ: وَالْإِيمَانُ قَوْلٌ وَعَمَلٌ، يَزِيدُ وَيَنْقُصُ كَمَا جَاءَ فِي الْخَبَرِ: ((أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خَلْقًا)).

وَمَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ فَقَدْ كَفَرَ وَلَيْسَ مِنَ الْأَعْمَالِ شَيْءٌ تَرَكَهُ كَفَرٌ إِلَّا الصَّلَاةَ، مَنْ تَرَكَهَا فَهُوَ كَافِرٌ، وَقَدْ أَحَلَّ اللَّهُ قَتْلَهُ.

وَحَيْرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدَ نَبِيِّهَا أَبُو بَكْرٍ الصِّدِّيقُ، ثُمَّ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ، ثُمَّ عَثْمَانُ بْنُ عَفَّانٍ نَقَدِمَ هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةَ كَمَا قَدَّمَهُمْ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، لَمْ يَخْتَلَفُوا فِي ذَلِكَ، ثُمَّ بَعْدَ هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةِ أَصْحَابُ الشُّوَرَى الْخَمْسَةِ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَطَلْحَةُ، وَالزُّبَيْرُ، وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ، وَسَعْدٌ، كُلُّهُمْ يَصْلَحُ لِلْخِلَافَةِ، وَكُلُّهُمْ إِمَامٌ، وَنَذَهَبَ فِي ذَلِكَ إِلَى حَدِيثِ ابْنِ عُمَرَ: ((كُنَّا نَعُدُّ وَرَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَيًّا وَأَصْحَابَهُ مُتَوَافِرِينَ أَبُو بَكْرٍ ثُمَّ عُمَرُ ثُمَّ عَثْمَانُ ثُمَّ نَسَكْتُ)).

ثُمَّ مِنْ بَعْدِ أَصْحَابِ الشُّورَى أَهْلُ بَدْرٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ، ثُمَّ أَهْلُ بَدْرٍ مِنَ الْأَنْصَارِ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى قَدَرِ الْهَجْرَةِ وَالسَّابِقَةِ، أَوْلَا فَأَوْلًا، ثُمَّ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدَ هَؤُلَاءِ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، الْقَرْنُ الَّذِي بُعِثَ فِيهِمْ. وَكُلُّ مَنْ صَحَبَهُ سَنَةً أَوْ شَهْرًا أَوْ يَوْمًا أَوْ سَاعَةً، أَوْ رَأَاهُ فَهُوَ مِنْ أَصْحَابِهِ، لَهُ مِنَ الصُّحْبَةِ عَلَى قَدَرِ مَا صَحَبَهُ، وَكَانَتْ سَابِقَتُهُ مَعَهُ، وَسَمِعَ مِنْهُ، وَنَظَرَ إِلَيْهِ نَظْرَةً، فَأَدْنَاهُمْ صُحْبَةً هُوَ أَفْضَلُ مِنَ الْقَرْنِ الَّذِينَ لَمْ يَرَوْهُ، وَلَوْ لَقُوا اللَّهَ بِجَمِيعِ الْأَعْمَالِ، كَانَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ صَحَبُوا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَأَوْهُ وَسَمِعُوا مِنْهُ، وَمَنْ رَأَاهُ بَعِينَهُ وَأَمِنْ بِهِ وَلَوْ سَاعَةً، أَفْضَلُ لِصُحْبَتِهِ مِنَ التَّابِعِينَ، وَلَوْ عَمِلُوا كُلَّ أَعْمَالِ الْخَيْرِ.

وَالسَّمْعُ وَالطَّاعَةُ لِلْأَئِمَّةِ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، وَمَنْ وَلِيَ الْخِلَافَةَ، وَاجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَيْهِ، وَرَضُوا بِهِ، وَمَنْ عَلَيْهِمُ بِالسَّيْفِ حَتَّى صَارَ خَلِيفَةً، وَسُمِّيَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْغَزْوُ مَاضٍ مَعَ الْأَمِيرِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ لَا يُتْرَكُ.

امام احمد رحمه الله می گوید: و ایمان عبارت است از: قول و عمل که کم و زیاد می شود، همان گونه که در روایت آمده که رسول الله صلى الله عليه وسلم می فرماید: «أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خَلْقًا»: «کامل ترین مومن کسی است که اخلاق نیکو داشته باشد».

و فردی که نماز را ترک کند کافر است؛ و ترک هیچ یک از اعمال ترک آن کفر نیست به جز نماز؛ کسی که نماز را ترک کند کافر بوده و کشتن چنین فردی را الله متعال حلال دانسته است.

و بهترین و والامقام ترین فرد این امت بعد از رسول الله صلى الله عليه وسلم ابوبکر صدیق رضی الله عنه می باشد، سپس عمر بن خطاب و بعد عثمان بن عفان رضی الله عنهما، و این سه نفر را همان گونه که اصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم آن ها را بر دیگر اصحاب رضی الله عنهم مقدم می دانستند آنان را برتر می دانیم و در آن هیچ اختلافی نداشتند.

سپس بعد از این سه نفر بزرگترین افراد امت، پنج نفر اهل شوری هستند، یعنی: علی بن ابی طالب، طلحه، زبیر، عبدالرحمن بن عوف و سعد رضی الله عنهم هستند که همگی شایستگی خلافت را داشتند و همه امام و پیشوا بودند. و این را از حدیث عبدالله بن عمر رضی الله عنهما برداشت می کنیم که گوید: ((زمانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم زنده بود و صحابه اش زیاد بودند چنین برتری می دادیم و می شماردیم: ابوبکر سپس عمر سپس عثمان و بعد سکوت اختیار می کردیم)).

بعد از اهل شوری، بزرگترین این امت، مهاجرین اهل بدر و بعد انصار اهل بدر از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم هستند، و فضیلت هر کدام به مقدار هجرت و سابقه‌ی آن در اسلام است، هر کدام به مقدار پیشه اش از دیگری.

سپس بزرگترین امت، اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم هستند که در همان قری که پیامبر مبعوث گشت ایمان آورده‌اند. و هر کسی که با رسول الله صلی الله علیه وسلم مصاحبت داشته خواه یک سال، یا یک ماه یا یک روز و یا یک ساعت او را دیده باشد، از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم محسوب می‌شود، و درجه او به مقداری است که با رسول الله صلی الله علیه وسلم مصاحبت نموده است، و کمترین آن‌ها از لحاظ هم صحبت بودن با رسول الله صلی الله علیه وسلم، از کسانی که با رسول الله صلی الله علیه وسلم ملاقات نداشتند بهترند، اگر چه تمام اعمال نیک را هم به طور کامل انجام داده باشند!! کسانی که با رسول الله صلی الله علیه وسلم را هم صحبت بوده باشند و به وی ایمان آورده باشند، اگر چه دیدار آنان با چشمشان یک ساعت هم باشد با این نشست با رسول الله صلی الله علیه وسلم از تابعین برترند، اگر چه تمام اعمال را هم انجام داده باشند.

فرمانبرداری و اطاعت کردن از رهبران و امیران چه خوب باشند و چه بد واجب است. و کسی که خلافت را عهده‌دار می‌شود و مردم همگی با وی بیعت کردند یا به خلافت وی رضایت شدند، و اگر کسی با زور شمشیر بر مردم تسلط یافت و امیر المومنین خوانده شد باز هم اطاعتش واجب می‌باشد. و جهاد تا روز قیامت با امراء و فرمانروایان ادامه دارد، خواه امیر، خوب و صالح باشد، و یا بد و فاجر، در هر صورت جهاد رها نمی‌شود.

قَالَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ حَنْبَلٍ رَحِمَهُ اللَّهُ: وَقَسَمَةُ الْفَيْءِ وَإِقَامَةُ الْحُدُودِ إِلَى الْأَئِمَّةِ مَاضٍ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَطْعَنَ عَلَيْهِمْ، وَلَا يُنَازِعُهُمْ، وَدَفْعُ الصَّدَقَاتِ إِلَيْهِمْ جَائِزَةٌ نَافِذَةٌ، مَنْ دَفَعَهَا إِلَيْهِمْ أَجْزَأَتْ عَنْهُ، بَرًّا كَانَ أَوْ فَاجِرًا.

وَصَلَاةُ الْجُمُعَةِ خَلْفُهُ وَخَلْفَ مَنْ وَلَاهُ، جَائِزَةٌ بَاقِيَةٌ تَامَةً رَكَعَتَيْنِ، مَنْ أَعَادَهُمَا فَهُوَ مُبْتَدِعٌ تَارِكٌ لِلْأَثَارِ، مُخَالَفٌ لِلسُّنَّةِ، لَيْسَ لَهُ مِنْ فَضْلِ الْجُمُعَةِ شَيْءٌ؛ إِذَا لَمْ يَرِ الصَّلَاةَ خَلْفَ الْأَئِمَّةِ مَنْ كَانُوا بِرِهِمْ وَفَاجِرِهِمْ.

فَالسُّنَّةُ: بَأَنْ يُصَلِّيَ مَعَهُمْ رَكَعَتَيْنِ، وَيَدِينَنَّ بِأَنَّهَا تَامَةٌ، لَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ مِنْ ذَلِكَ شَكٌّ.

وَمَنْ خَرَجَ عَلَى إِمَامٍ مِنْ أئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَقَدْ كَانَ النَّاسُ اجْتَمَعُوا عَلَيْهِ وَأَقْرَبُوا لَهُ بِالْخِلَافَةِ، بِأَيِّ وَجْهِ كَانَ، بِالرُّضَا أَوْ بِالْغَلْبَةِ - فَقَدْ شَقَّ هَذَا الْخَارِجُ عَصَا الْمُسْلِمِينَ، وَخَالَفَ الْأَثَارَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: فَإِنْ مَاتَ الْخَارِجُ عَلَيْهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

وَلَا يَحِلُّ قِتَالُ السُّلْطَانِ وَلَا الْخُرُوجُ عَلَيْهِ لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مُبْتَدِعٌ عَلَى غَيْرِ السُّنَّةِ وَالطَّرِيقِ.

وَقِتَالُ اللَّصُوصِ وَالْخَوَارِجِ جَائِزٌ إِذَا عَرَضُوا لِلرَّجُلِ فِي نَفْسِهِ وَمَالِهِ، فَلَهُ أَنْ يُقَاتِلَ عَنْ نَفْسِهِ وَمَالِهِ، وَيُدْفَعُ عَنْهَا بِكُلِّ مَا يَقْدِرُ، وَلَيْسَ لَهُ إِذَا فَارَقُوهُ أَوْ تَرَكَوهُ أَنْ يَطْلُبَهُمْ، وَلَا يَتَّبِعَ آثَارَهُمْ، لَيْسَ لِأَحَدٍ إِلَّا الْإِمَامُ أَوْ وَلَاةُ الْمُسْلِمِينَ، إِنَّمَا لَهُ أَنْ يَدْفَعَ عَنْ نَفْسِهِ فِي مَقَامِهِ ذَلِكَ، وَيَنْوِيَ بِجُهِدِهِ أَنْ لَا يَقْتُلَ أَحَدًا، فَإِنْ مَاتَ عَلَى يَدَيْهِ فِي دَفْعِهِ عَنْ نَفْسِهِ فِي الْمَعْرَكَةِ فَأَبْعَدَ اللَّهُ الْمَقْتُولَ، وَإِنْ قُتِلَ هَذَا فِي تِلْكَ الْحَالِ

وَهُوَ يَدْفَعُ عَنْ نَفْسِهِ وَمَالِهِ، رَجَوْتُ لَهُ الشَّهَادَةَ، كَمَا جَاءَ فِي الْأَحَادِيثِ وَجَمِيعِ الْأَثَارِ فِي هَذَا إِنَّمَا أَمَرَ بِقَتَالِهِ، وَلَمْ يُؤْمَرْ بِقَتْلِهِ وَلَا اتِّبَاعِهِ، وَلَا يُجْهَزُ عَلَيْهِ إِنْ صُرِعَ أَوْ كَانَ جَرِيحًا، وَإِنْ أَخَذَهُ أُسِيرًا فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يَقْتُلَهُ، وَلَا يُقِيمَ عَلَيْهِ الْحَدَّ، وَلَكِنْ يَرْفَعُ أَمْرُهُ إِلَى مَنْ وَلَاهُ اللَّهُ، فَيَحْكُمُ فِيهِ.

وَلَا نَشْهَدُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْقِبْلَةِ بِعَمَلٍ يَعْمَلُهُ بِجَنَّةٍ وَلَا نَارٍ نَرْجُو لِلصَّالِحِ وَنَخَافُ عَلَيْهِ، وَنَخَافُ عَلَى الْمُسِيءِ الْمَذْنِبِ، وَنَرْجُو لَهُ رَحْمَةَ اللَّهِ.

وَمَنْ لَقِيَ اللَّهَ بِذَنْبٍ يَجِبُ لَهُ بِهِ النَّارُ تَائِبًا غَيْرَ مُصِرٍّ عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ، وَيَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ، وَيَغْفُو عَنْ السَّيِّئَاتِ، وَمَنْ لَقِيَهُ وَقَدْ أُقِيمَ عَلَيْهِ حَدُّ ذَلِكَ الذَّنْبِ فِي الدُّنْيَا، فَهُوَ كَفَّارَتُهُ، كَمَا جَاءَ فِي الْخَبَرِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَمَنْ لَقِيَهُ مُصِرًّا غَيْرَ تَائِبٍ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي قَدْ اسْتَوْجَبَ بِهَا الْعُقُوبَةَ فَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ، إِنْ شَاءَ عَذْبُهُ، وَإِنْ شَاءَ غَفَرُ لَهُ، وَمَنْ لَقِيَهُ وَهُوَ كَافِرٌ عَذْبُهُ وَلَمْ يَغْفِرْ لَهُ.

وَالرَّجْمُ حَقٌّ عَلَى مَنْ زَنَا وَقَدْ أَحْصَنَ إِذَا اعْتَرَفَ أَوْ قَامَتْ عَلَيْهِ بَيِّنَةٌ، وَقَدْ رَجَمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَدْ رَجِمَتِ الْأُئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ.

وَمَنْ انْتَقَصَ أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَوْ أَبْغَضَهُ بِحَدِّثٍ كَانَ مِنْهُ، أَوْ ذَكَرَ مَسَاوِيَهُ كَانَ مُبْتَدِعًا، حَتَّى يَتَرَحَّمَّ عَلَيْهِمْ جَمِيعًا، وَيَكُونَ قَلْبُهُ لَهُمْ سَلِيمًا.

وَالنِّفَاقُ هُوَ: الْكُفْرُ، أَنْ يَكْفُرَ بِاللَّهِ وَيَعْبُدَ غَيْرَهُ، وَيُظْهِرَ الْإِسْلَامَ فِي الْعِلَاقَةِ، مِثْلَ الْمُنَافِقِينَ الَّذِينَ كَانُوا عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ((ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَهُوَ مُنَافِقٌ))، هَذَا عَلَى التَّغْلِيظِ، نَرْوِيهَا كَمَا جَاءَتْ، وَلَا نُفَسِّرُهَا. وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ((لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفْرًا ضَلَالًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ))؛ وَمِثْلُ: ((إِذَا التَقَى الْمُسْلِمَانِ بِسَيفَيْهِمَا فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ))؛ وَمِثْلُ: ((سَبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ))؛ وَمِثْلُ: ((مَنْ قَالَ لِأَخِيهِ يَا كَافِرُ فَقَدْ بَاءَ بِهَا أَحَدُهُمَا))؛ وَمِثْلُ: ((كُفْرٌ بِاللَّهِ تَبَرُّؤٌ مِنْ نَسَبٍ وَإِنْ دَقَّ)) وَنَحْوُ هَذِهِ الْأَحَادِيثِ مِمَّا قَدْ صَحَّ وَحُفِظَ، فَإِنَّا نُسَلِّمُ لَهُ، وَإِنْ لَمْ نَعْلَمْ تَفْسِيرَهَا، وَلَا نَتَكَلَّمُ فِيهَا، وَلَا نُجَادِلُ فِيهَا، وَلَا نُفَسِّرُ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ إِلَّا مِثْلَ مَا جَاءَتْ، لَا نَرُدُّهَا إِلَّا بِأَحَقِّ مِنْهَا.

وَالْجَنَّةُ وَالنَّارُ مَخْلُوقَتَانِ قَدْ خُلِقَتَا، كَمَا جَاءَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ((دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ قَصْرًا)). وَرَأَيْتُ الْكَوْثَرَ وَاطَّلَعْتُ فِي الْجَنَّةِ فَرَأَيْتُ أَكْثَرَ أَهْلِهَا... كَذَا، وَاطَّلَعْتُ فِي النَّارِ

فَرَأَيْتُ ... كَذَا وَكَذَا، فَمَنْ زَعَمَ أَنَّهَمَا لَمْ تُخْلَقَا، فَهُوَ مُكَذَّبٌ بِالْقُرْآنِ وَأَحَادِيثِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَلَا أَحْسِبُهُ يُؤْمِنُ بِالْجَنَّةِ وَالنَّارِ.

مَنْ مَاتَ مِنْ أَهْلِ الْقَبِيلَةِ مُوَحِّدًا يُصَلِّي عَلَيْهِ، وَيَسْتَغْفِرُ لَهُ وَمَنْ مَاتَ مِنْ أَهْلِ الْقَبِيلَةِ مُوَحِّدًا يُصَلِّي عَلَيْهِ، وَيَسْتَغْفِرُ لَهُ وَلَا يُحَجُّ عَنْهُ الْإِسْتِغْفَارُ، وَلَا تَتْرُكُ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ لِدَنْبٍ أَذْنَبَهُ صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا، أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى.

آخِرُ الرِّسَالَةِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ وَصَلَوَاتُهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا.

امام احمد رحمه الله می گوید: تقسیم غنائم جنگی مانند: «فیء» و اجرای حدود نزد حاکم باید اجرا شوند و کسی حق ندارد بر آنان خرده بگیرد و یا با آنان کشمکش نماید. همچنان ادای صدقات، مانند زکات و غیره به امیر خواه صالح باشد و یا فاجر جایز و نافذ است، و اگر کسی زکات اموال خویش را به امیر فاجر بدهد، دینش ادا شده و درست است.

و ادای نماز جمعه دو رکعت پشت سر چنین امامی جایز بوده و کامل و تمام است، و اگر کسی آن را اعاده نماید، بدعت گزار بحساب می آید و بر خلاف عمل صحابه رضی الله عنهم عمل نموده و با سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم مخالفت کرده است، و اگر نماز پشت سر امامان بد یا خوب را جایز و درست بشمارد از فضیلت جمعه چیزی عایدش نمی شود، بلکه سنت است که با آنان دو رکعت نماز را بخواند و آن را اعاده ننماید، زیرا چنین کاری بدعت است، و نباید هیچ شکی به دلت راه یابد.

هر کس بر علیه امام مسلمانان قیام کند، در حالی که مردم به امارت او راضی باشند و به خلافت او اقرار نمایند، خواه خلافت با رضایت صورت گرفته باشد و یا با زور شمشیر، چنین کاری را می توان شکستن عصای مسلمانان نامید. و با روایات رسول الله صلی الله علیه وسلم مخالفت ورزیده، و چنین کسی اگر بمیرد بر جاهلیت مرده است.

و جنگ بر علیه سلطان جایز نیست و برای هیچ یک از احاد مردم درست نیست که بر علیه حاکم -مسلمان- خروج نمایند، و اگر کسی این کار را بکند، بدعت‌گذار و برخلاف سنت و روش رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتار نموده است.

و جنگ نمودن با راه زنان و خوارج در صورتی که به مال و جان فرد حمله نمایند جایز است، درست است که فرد از جان و مال خویش دفاع کند، و تمام قدرت خویش را به کار گیرد؛ و در صورتی که او را رها کردند دیگر نیاز نیست که در پی آنان تلاش کند، و دنبال آن گردد، چنین کاری وظیفه ی کسی جز امام و والی نیست، بلکه هر فرد می تواند از خودش حمایت کند، و باید نیتش این باشد که کسی را نکشد، و در صورتی که فردی در دفاع از نفس خویش کسی را در معرکه ای بکشد، الله متعال آن فردی را که کشته شده از رحمت خویش دور ساخته است، و اگر فردی در حالی که از خودش دفاع می کند کشته شود آرزوی شهادت را برای وی داریم؛ و چنان چه در تمامی روایت ها و احادیث آمده در چنین مواردی دستور به مبارزه هست نه این که را کسی بکشیم یا در پی یافتن آنها تلاش کنیم، و در صورتی که ناتوان یا زخمی شده باشند درست نیست که با آنها نبرد کنیم، و اگر آنان را به اسارت گرفتیم درست نیست که فردی از آنان را بکشیم و یا حدی بر آنان اجرا کنیم، بلکه چنین افرادی به والی و حاکم تحویل داده می شوند تا در مورد آنان حکم کنند.

و نسبت به اهل قبله شهادت نمی دهیم که فلانی بهشتی است و یا جهنمی، به خاطر کاری که انجام داده است، بلکه بهشت را برای بنده صالح آرزو داریم، و از رفتن وی به دوزخ می ترسیم، و نیز برای گناهکار می ترسیم که نکند وارد دوزخ شود و آرزوی رحمت پروردگار را برای او داریم.

و اگر کسی با گناهی پیش الله متعال برود که موجب دوزخ رفتن باشد، ولی بر گناه اصرار نورزیده و توبه کرده باشد، الله متعال توبه‌اش را می‌پذیرد، زیرا الله متعال توبه بندگان را می‌پذیرد و گناهانش را می‌بخشد.

و اگر کسی با پروردگار خود روبرو گردد در حالی که در دنیا حد آن گناه بر او اقامه شده باشد، این حد کفاره گناهش می‌باشد، همان گونه که در حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم به آن اشاره شده است.

و اگر آن کسی که مرتکب گناهی شده باشد که موجب عقوبت است و بر آن اصرار ورزد و با همین گناه بدون آن که توبه کرده باشد بمیرد، چنین کسی حکمش با الله متعال است، اگر بخواهد او را عذاب می‌دهد و اگر بخواهد او را می‌بخشد، و اگر کسی که کافر است، با کفر نزد الله متعال رود، الله متعال او را نمی‌بخشد و او را عذاب می‌دهد.

رجم زنا کار محصن - کسی که یک بار ازدواج کرده باشد - اگر اعتراف کند یا چهار شاهد بر عمل زنای او شهادت دهند، حق است زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین حد رجم را اجرا کرده‌اند.

و هر کس بخواهد شخصیت یکی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم را زیر سوال ببرد و آن را تنقیص شخصیت نماید و یا نسبت به آنان کینه داشته باشد و یا از آنان بدگویی کند، چنین کسی مبتدع است مگر این که پشیمان شده و نسبت به همه آنها ترحم نماید و قلبش نسبت به آنان سالم گردد.

نفاق همانا کفر است، و آن این است که به الله متعال کفر ورزد و غیر از وی را پرستد، ولی در ظاهر می‌گوید که مسلمان است، مانند منافقین زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم.

و این احادیث که در این زمینه از باب شناعة این افعال آمده را همان گونه ذکر می‌کنیم که آمده است و آن‌ها را تفسیر و توضیح نمی‌دهیم. مانند: «لا ترجعوا بعدی کفاراً یضرب بعضکم رقاب بعضٍ»: «بعد از من کافر نشوید و برخی از شما گردن بعضی دیگر را بزنند». و مانند: «إذا التقى المسلمان بسيفيهما فالقاتل والمقتول فى النار»: «اگر دو مسلمان با شمشیرهایشان به جان یکدیگر افتادند، و یکی از آنان دیگری را کشت هر دو، هم قاتل و هم مقتول در آتش دوزخ هستند».

و مانند: «سباب المسلم فسوقٌ، وقتاله كفرٌ»: «دشنام دادن مسلمان باعث فسق می‌شود، و جنگیدن با او کفر است».

و مانند: «أیما رجلٍ قال لأخيه: یا کافر فقد بآءَ بها أحدهما»: «هر کس به برادر ایمانیش بگوید: ای کافر، یکی از آنان کافر می‌شود-یعنی یا خودش کافر می‌شود و یا این که آن فرد واقعا کافر بوده است».

و مانند: «كُفْرٌ بِاللَّهِ تَبَرُّؤٌ مِنْ نَسَبٍ وَإِنْ دَقَّ»: «کفر به الله متعال است که کسی نسب خویش را انکار کند هر چند که دقیق باشد».

و بقیه‌ی احادیثی که همانند این روایات هستند زیاد هستند که سند آن‌ها صحیح و حفظ شده‌اند. ما تسلیم آن‌ها هستیم اگر چه تفسیر آن‌ها را ندانیم، و در آن مجادله نمی‌کنیم و آن‌ها را تفسیر نمی‌کنیم مگر همان گونه که آمده‌اند، و حدیثی را جز با حدیثی صحیح تر از آن رد نمی‌کنیم.

و بهشت و دوزخ خلق شده‌اند و هم اکنون موجودند، چنان چه رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (وارد بهشت شدم و قصری را دیدم...) و یا: (رود کوثر را دیدم) و یا (نگاهی به بهشت انداختم و بیشتر آنان را از افرادی دیدم که... چنین بودند) و یا: (نگاهی

به جهنم انداختم و بیشتر آنان را از افرادی دیدم که... چنین و چنان بودند؛ و هر کس بگوید که بهشت و جهنم هنوز خلق نشده‌اند! الله متعال و رسول وی را تکذیب نموده است و گمان نکنم که چنین کسی به بهشت و جهنم باور داشته باشد.

و هر کس از اهل قبله بمیرد در حالی که از اهل توحید باشد، بر او نماز خوانده می‌شود و از الله متعال برای او آمرزش طلبیده می‌شود، و کس را نباید از آمرزش طلبیدن برای وی منع کرد، و به خاطر گناه، صغیره باشد یا کبیره که فردی انجام داده باشد، نماز میت بر وی قطع نمی‌شود، بلکه امر وی به الله متعال واگذار می‌شود.

این نامه پایان یافت، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ وَصَلَوَاتُهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا.